

بازشناسی مصادر کتاب الغیبه طوسی

حجت الاسلام والمسلمین محمد مسعودی^۱

تاریخ تحویل: ۱۳۸۷/۱۰/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۳۸۷/۱۲/۲۵

چکیده

کتاب غیبت شیخ طوسی، از تراث گرانسنگ امامی هاست که از مصداری قویم و وزین اخذ شده است. ما امروز میراث دار این گنجینه بی بدیل هستیم که به حق از شایسته ترین ذخایر حدیثی به شمار می رود.

شیخ طوسی، در تدوین آن، از عمیق ترین منابع شیعی بهره جسته و شالوده آن را سامان داده است که بخشی از آن ها امروزه در دسترس ما هست و متأسفانه بخشی موجود نیست.

در این نوشتار، در پی منبع یابی مصادر کتاب غیبت طوسی برآمده و سعی بر این است که ارتباط سازگار بین مصادر و کتاب غیبت ریشه یابی شود و چگونگی اخذ تبیین گردد. کلید واژه ها: کتاب غیبت، شیخ طوسی، مصادر، اخذ حدیث، نقل روایت، طرق، مشایخ.

مقدمه

از آن روی که آموزه مهدویت، از برجسته ترین اندیشه های اسلامی است که در نگرش ایجابی و سلبی تمام فرق اسلامی جای گرفته است؛ لذا در تاریخ اسلام، کنار کار ویژه های مباحث کلامی، مورد کنکاش جدی واقع شده و بحث های ریشه داری

۱. محقق و پژوهشگر.

را همراه داشته است. پیشینه این بحث، به احادیث نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باز می‌گردد که عالم هستی را به ظهور منجی راستین و تشکیل جامعه‌ای نیک وعده داده است. از جانب دیگر، همواره در فراز و نشیب‌های قرون گذشته، عده‌ای در جست و جوی چنین مدینه فاضله‌ای به خطا رفته و به نحله‌های فاسد گرویده و به دام کج‌اندیشان و فرصت‌طلبان گرفتار آمده‌اند؛ همانند آنان که راه کیسانیه و ناووسیه و واقفیه و غیره را رفته‌اند.

اندیشوران و پیشگامان امامیه و علما و متکلمان شیعه، برای ترسیم حقیقت مهدویت و تبیین مفهومی و مصداقی آن، از ژرفای ادله نقلی و عقلی الهام گرفته و نگرش صحیحی از آموزه مهدی‌گرایی در پیش روی رهپویان نهاده‌اند؛ همان‌گونه که محمد بن ابراهیم نعمانی و عبدالله بن جعفر حمیری و شیخ مفید و شیخ طوسی و دیگران، کتاب غیبت نوشته و به پرسش‌جویندگان و شبهه‌شبهه افکنان، پاسخ داده‌اند.

کتاب غیبت شیخ طوسی، از کهن‌ترین و برترین کتب حدیثی در موضوع خود است. شیخ، آن را حدود سال ۴۴۷ ق یعنی حدوداً سیزده سال قبل از وفاتش به نگارش در آورد. او در دو جا بدین تاریخ اشاره دارد:

نخست، آن‌جا که در مدت عمر حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام بحث می‌کند و می‌فرماید:
«لانه علی قولکم له فی هذا الوقت الذی هو سنة سبع و اربعین و اربعمائة...»^۱

دومین بار در اشاره به مدفن نائب اول، عثمان بن سعید عمری می‌فرماید: «و هو الی یومنا هذا و ذلک سنة سبع و اربعین و اربعمائة...»^۲

کتاب غیبت طوسی از با ارزش‌ترین منابع معرفتی مهدویت است. شیخ، به لحاظ دارا بودن منابع دست اول و مصادر متعدد و احاطه بر احادیث، توانست مجموعه گرانسنگی از ژرف‌ترین مسایل درباره امامت حضرت حجة عَلَيْهِ السَّلَام تدوین کند و در

۱. شیخ طوسی، الغیبة، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۲۳ق، ص ۸۸.
۲. همان، ص ۲۴۱.

گسستن التقاطات و شبهات، بنایی استوار و متین سامان دهد. این نوشتار، بر آن است که کتاب غیبت طوسی را از نگاه کتاب شناختی در معرض تحقیق بنهد و مصادرش را بازشناسی کند. ما به راستی نمی‌توانیم کلیه مصادر شیخ را در این مقاله بازیابی کنیم؛ زیرا بسیاری از آنها در حوادث ایام، ناپدید یا نابود شده‌اند؛ همان‌گونه که در حادثه آتش زدن خانه شیخ، همه کتب خطی و بسیار نفیس او سوخت و به دست ما نرسید. از جانب دیگر شیخ در ابتدای روایات، مصدر آن را بیان نکرده است؛ لذا ما باید در ابتدا قرینه‌یابی کنیم و در نهایت، با همان قراین، احتمال اخذ را مسجل نماییم.

منبع‌شناسی از خواستگاه به سزایی برخوردار است و در سده معاصر یکی از فروع کتاب‌شناسی مطرح شده است. ما از تاریخ شروع مصدرشناسی کتب اطلاعی نداریم؛ ولی امروزه برای تحکیم بنیان کتب، از آن استمداد می‌جویند و با مقایسه کتب با مصادرشان، به اطلاعات نغزی می‌رسند.

مصدر در این نوشتار، یعنی کتبی که شیخ در تدوین کتب غیبت، از آنها روایت اخذ کرده یا سبک تدوین آموخته است، هر چند که این، اصطلاح جدیدی را در منبع‌شناسی بنماید.

مصادر کتاب غیبت طوسی را در نگاه اول، می‌توان به دو گروه دسته‌بندی کرد: مصداری که امروزه آنها را در دست داریم و مصداری که به ما نرسیده و در دست محققان مهدویت نیست.

مصادر موجود کتاب غیبت

أ. کتاب کافی

کتاب کافی را محمد بن یعقوب کلینی طی بیست سال تدوین کرد. نجاشی در رجالش می‌فرماید:

محمد بن یعقوب بن اسحاق ابوجعفر الكلینی و كان خاله علان الكلینی الرازی شیخ اصحابنا فی وقته بالری و وجههم و كان اوثق الناس فی الحدیث و اثبتهم. صنف الكتاب

الكبير المعروف بالكلينى يسمى الكافى فى عشرين سنة...^۱

کلینی در تبیین ابواب کتابش رهیافت‌هایی نو به کار گرفت و تار و پود کافی را با سبک جدیدی آمیخت. کتاب وی، از همسانی و همگرایی خاصی برخوردار بوده و چینش ابواب آن، تحسین برانگیز است. به حق کتاب کافی، از برجسته‌ترین و نغزترین و منسجم‌ترین مصادر حدیثی به شمار می‌رود و اولین کتاب از کتب اربعه حدیثی شیعه شمرده شده است.

شیخ طوسی، در سامان بخشی و گردآوری کتاب غیبت، بیشترین بهره را از کافی برد. وی در ابواب گوناگون، از کافی کمک گرفته و روایات مورد نظرش را از آن اخذ کرده است. او حدود پنجاه حدیث از کافی در کتاب غیبت نقل فرمود. این احادیث در هشت فصل کتاب پراکنده است که به معرفی آنها می‌پردازیم:

۱. در فصل «الكلام فى الواقعة»

در این فصل، شیخ طوسی از مرحوم کلینی، چهارده حدیث نقل می‌کند. در اولین و دومین آن‌ها سند را با نام کلینی یعنی محمد بن یعقوب آغاز می‌کند. در بقیه روایات سند را با نام کلینی شروع نکرده بلکه در ابتدای سند، ضمیر «عنه» واقع شده که با توجه به عنوان بعد از ضمیر که شیخ و استاد مرحوم کلینی است، علی القاعده ضمیر، به کلینی ارجاع داده خواهد شد.

تنها در یک مورد، ابتدای سند را با اسم اشاره «بهذا الاسناد» شروع می‌کند که بعد از اسم اشاره، عنوان «ابن مهران» واقع شده است. او «احمد بن مهران» است که از مشایخ مرحوم کلینی بود. نتیجه این که مشارالیه کلینی خواهد بود.

در عمده روایات کافی که شیخ در این فصل اخذ کرده است، کلینی به واسطه «احمد بن مهران» روایت نقل می‌کند. اولین روایت کلینی را شیخ از باب «ان الائمة عليها السلام يعلمون متى يموتون و انهم لا يموتون الا باختيار منهم» از جلد نخست کافی اخذ کرده و بقیه روایات این فصل را از باب «الاشارة و النص على ابى الحسن

۱. نجاشی، رجال، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ص ۳۷۷، ش ۱۰۲۶.

الرضا عليه السلام در همان جلد برگرفته است.

شیخ در چینش احادیث کتاب غیبت، ترتیب روایات کافی را رعایت نکرده و آن را به مقتضای جریان بحث کتاب و با سلیقه‌ای نو مرتب کرده است.

ما ترتیب هر دو کتاب را در ادامه می‌آوریم:

کتاب کافی				کتاب غیبت	
ملاحظات	جلد	صفحه	رقم روایت	شماره روایت	صفحه
	۱	۲۵۹	۲	اولین روایت اخذ شده از کافی	۳۳
	۱	۳۱۹	۱۶	دومین روایت مأخوذ از کافی	۳۴
	۱	۳۱۲	۳	سومین روایت مأخوذ از کافی	۳۵
	۱	۳۱۲	۴	چهارمین روایت مأخوذ از کافی	۳۵
	۱	۳۱۱	۱	پنجمین روایت مأخوذ از کافی	۳۵
	۱	۳۱۲	۲	ششمین روایت مأخوذ از کافی	۳۶
	۱	۳۱۲	۸	هفتمین روایت مأخوذ از کافی	۳۶
	۱	۳۱۲	۶	هشتمین روایت مأخوذ از کافی	۳۶
	۱	۳۱۲	۷	نهمین روایت مأخوذ از کافی	۳۷
	۱	۳۱۳	۱۱	دهمین روایت مأخوذ از کافی	۳۷
	۱	۳۱۳	۱۲	یازدهمین روایت مأخوذ از کافی	۳۸
	۱	۳۱۳	۱۳	دوازدهمین روایت مأخوذ از کافی	۳۸
	۱	۳۱۱	۱۴	سیزدهمین روایت مأخوذ از کافی	۳۸
	-	-	-	چهاردهمین روایت مأخوذ از کافی	۵۵
				در کافی یافت نشد	

شیخ در انتهای این فصل، روایتی را از کلینی چنین نقل می‌کند:

«فروى محمد بن يعقوب عن محمد بن يحيى العطار عن محمد بن احمد بن محمد بن جمهور عن احمد بن المفضل عن يونس بن عبدالرحمن قال مات ابوابراهيم عليه السلام...» که بعد از فحوص در کتاب کافی یافت نشد.

به نکته‌ای وزین باید توجه داشت که کلینی از مشایخ بی واسطه شیخ طوسی نیست و شیخ از او با واسطه روایت نقل می‌کند؛ لذا در اخذ حدیث، باید به طرقتش اعتماد نکند. در این روایات، شیخ، طریقتش به کلینی را ذکر نکرده است؛ ولی در ترجمه کلینی در فهرست^۱ طرق متعددی به کتب و روایات وی بیان می‌کند که ما

۱. شیخ طوسی، فهرست، نجف، المكتبة المرتضوية، ص ۱۳۵، ش ۵۹۱.

ذیلاً بعضی را می آوریم:

اخبرنا «بجميع كتبه و رواياته الشيخ المفيد ابو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان عن ابي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه عنه و اخبرنا الحسين بن عبيدالله قراءة عليه اكثر كتبه من الكافي عن جماعة منهم ابو غالب احمد بن محمد الزراري و ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه و ابو عبدالله احمد بن ابراهيم الصيمري المعروف بابن ابي رافع و ابو محمد هارون ابن موسى التلعكبري و ابو الفضل محمد بن عبدالله بن المطلب الشيباني كلهم عن محمد بن يعقوب».

۲. در ذیل روایاتی که بر امامت حضرت حجت علیه السلام دلالت می کند (از صفحه ۹۷ به بعد).

شیخ در این فصل، پنج روایت از کلینی نقل می کند و برخلاف فصل قبل، طریقتش به روایات کلینی رادر اول اسناد ذکر کرده و در دو مورد، با اسم اشاره «بهذا الاسناد» سند را شروع کرده که مشارالیه آن‌ها در سند قبل، معلوم است.

شیخ، روایات کلینی را از «باب ماجاء فی الاثنی عشر و النص علیهم» از جلد

نخست کافی اخذ کرده است:

کتاب کافی			کتاب غیبت		
ملاحظات	جلد	صفحه	رقم روایت	شماره روایت	صفحه
	۱	۵۲۹	۴	اولین روایت مأخوذ از کافی	۱۰۱
	۱	۵۳۳	۱۵	دومین روایت مأخوذ از کافی	۱۰۲
	۱	۵۳۳	۱۴	سومین روایت مأخوذ از کافی	۱۰۸
	۱	۵۳۱	۸	چهارمین روایت مأخوذ از کافی	۱۰۸
	۱	۵۲۵	۱	پنجمین روایت مأخوذ از کافی	۱۰۹

۳. شیخ در ذیل «و اما القائلون بامامة جعفر بن علی بعد اخيه علیه السلام» (در صفحه ۱۴۹) یک

روایت از کلینی نقل می کند (و روی محمد بن یعقوب کلینی - رفعه - قال: قال ابو محمد علیه السلام

حين ولد الحجة... که این روایت، بعد از فحص، در کتاب کافی یافت نشد.

۴. در فصل «فاما الکلام فی ولادة صاحب الزمان علیه السلام...».

در این فصل، شیخ از کلینی هفت روایت نقل می کند. در این احادیث هم شیخ،

طریق خودش را به روایت کلینی ذکر نکرده و سند را با عنوان «محمد بن یعقوب»

شروع کرده است. باز دو روایت از مجموع هفت روایت در کافی یافت نشد.

شیخ، این روایات را از «الاشارة و النص علی صاحب الدار علیه السلام» و باب «فی تسمية

من راه علیه السلام» از جلد نخست کافی اخذ کرده است.

کتاب کافی				کتاب غیبت	
ملاحظات	جلد	صفحه	رقم روایت	شماره روایت	صفحه
در کافی یافت نشد				اولین روایت مأخوذ از کافی	۱۵۴
	۱	۳۲۹	۵	دومین روایت مأخوذ از کافی	۱۵۴
در کافی یافت نشد				سومین روایت مأخوذ از کافی	۱۵۵
	۱	۳۲۹	۶	چهارمین روایت مأخوذ از کافی	۱۵۵
	۱	۳۲۸	۳	پنجمین روایت مأخوذ از کافی	۱۵۶
	۱	۳۲۹	۱	ششمین روایت مأخوذ از کافی	۱۶۲
	۱	۳۳۱	۹	هفتمین روایت مأخوذ از کافی	۱۶۵

۵. در فصل «و اما ما روی من الاخبار المتضمنة لمن رآه عليه السلام...».

شیخ در این فصل، شش حدیث از کلینی نقل می‌کند که حدیث اول را با طریق کامل آورده است؛ ولی در چهار حدیث بعدی، سند را با اسم اشاره «بهذا الاسناد» شروع کرده که ارجاع اسماء اشاره و یافتن مشارالیه محل بحث است و اشکالاتی را به همراه دارد که تحقیق آن‌ها در این مقاله ممکن نیست.

ششمین حدیث که از کلینی نقل می‌کند، بعد از فحوص، در کتاب کافی یافت نشد. شیخ این روایت را از «باب فی تسمیة من رآه عليه السلام» از جلد نخست کافی اخذ کرده است.

کتاب کافی				کتاب غیبت	
ملاحظات	جلد	صفحه	رقم روایت	شماره روایت	صفحه
	۱	۳۳۱	۱۱	اولین روایت مأخوذ از کافی	۱۷۸
	۱	۳۳۰	۲	دومین روایت مأخوذ از کافی	۱۷۹
	۱	۳۳۱	۶	سومین روایت مأخوذ از کافی	۱۷۹
	۱	۳۳۱	۸	چهارمین روایت مأخوذ از کافی	۱۷۹
	۱	۳۳۱	۵	پنجمین روایت مأخوذ از کافی	۱۷۹
در کافی یافت نشد	-	-	-	ششمین روایت مأخوذ از کافی	۱۸۱

۶. در فصل «و اما ظهور المعجزات الدالة علی صحة امامته فی زمان الغیبة...».

در این فصل، شیخ از کلینی هفت روایت نقل می‌کند که در اولین آن‌ها طریق خود به روایات کلینی را در ابتدای سند می‌آورد و در چهار سند، با اسم اشاره «بهذا الاسناد» شروع می‌کند. در یک مورد نیز سند را با نام کلینی یعنی «محمد بن یعقوب» آغاز کرده است. روایت هفتمین را بعد از فحوص در کافی نیافتیم.

شیخ این‌ها را از باب «مولد الصاحب عليه السلام» از جلد نخست کافی اخذ کرده است.

کتاب کافی			کتاب غیبت		
ملاحظات	جلد	صفحه	رقم روایت	شماره روایت	صفحه
	۱	۵۱۸	۵	اولین روایت مأخوذ از کافی	۱۸۹
	۱	۵۲۰	۳	دومین روایت مأخوذ از کافی	۱۹۰
	۱	۵۲۲	۱۶	سومین روایت مأخوذ از کافی	۱۹۰
	۱	۵۲۲	۱۷	چهارمین روایت مأخوذ از کافی	۱۹۱
	۱	۵۲۴	۲۷	پنجمین روایت مأخوذ از کافی	۱۹۱
	۱	۵۲۵	۳۱	ششمین روایت مأخوذ از کافی	۱۹۱
در کافی یافت نشد	-	-	-	هفتمین روایت مأخوذ از کافی	۱۹۶

۷. در فصل «فی ذکر طرف من اخبار السفراء الذین کانوا فی حال الغیبة» در این فصل،

شیخ از کلینی تنها یک روایت نقل می کند که بعد از فحص در کافی یافت نشد.

و در باب «فاما المذمومون منهم جماعة» شیخ اولین روایت را بدین گونه نقل می کند: فروی علی بن ابراهیم بن هاشم عن ابيه قال.... با توجه به این که «علی بن ابراهیم» از مشایخ کثیر الروایة کلینی است و در کافی فراوان از او روایت نقل می کند و از سوی دیگر این روایت در کافی، ج ۱، ص ۵۴۸، ح ۲۷ آمده است ظاهراً شیخ از کافی اخذ کرده است؛ ولی یا از ذکر کلینی در اول سند منصرف شده و یا این که فراموش کرده است.

در انتهای این قسمت نیز از کلینی حدیثی نقل می کند که بعد از فحص، در کافی یافت نشد.

۸. در فصل «فاما السفراء الممدوحون فی زمان الغیبة» و در «ذکر ابی جعفر محمد بن

عثمان بن سعید العمری و القول فیه». در این قسمت، شیخ از کلینی دو روایت نقل می کند که در اول آن ها طریقتش را در ابتدای سند می آورد و از باب «تسمیة من رآه عليه السلام» از جلد نخست کافی اخذ کرده است ولی دومین روایت بعد از فحص در کافی یافت نشد.

کتاب کافی			کتاب غیبت		
ملاحظات	جلد	صفحه	رقم روایت	شماره روایت	صفحه
	۱	۳۲۹	۱	اولین روایت مأخوذ از کافی	۲۴۱
در کافی یافت نشد	-	-	-	دومین روایت مأخوذ از کافی	۲۴۴

۹. در ذیل «و قد کان فی زمان السفراء المحمودین اقوام ثقات...»

در این قسمت، شیخ از کلینی سه روایت نقل می‌کند که اولین آن‌ها بعد از فحص در *کافی* یافت نشد و دومین و سومین را با نام کلینی «محمد بن یعقوب» شروع کرده است. هر دو روایت از «باب مولد الصاحب علیه السلام» از جلد نخست *کافی* اخذ شده است.

کتاب کافی			کتاب غیبت		
ملاحظات	جلد	صفحه	رقم روایت	شماره روایت	صفحه
در <i>کافی</i> یافت نشد	-	-	-	اولین روایت مأخوذ از <i>کافی</i>	۲۸۱
	۱	۵۲۲	۱۷	دومین روایت مأخوذ از <i>کافی</i>	۲۸۲
	۱	۵۲۳	۲۳	سومین روایت مأخوذ از <i>کافی</i>	۲۸۲

تذکر: شیخ در این کتاب، از کلینی ده روایت نقل کرد، ولی ما بعد از فحص، آن‌ها را در *کافی* نیافتیم. شاید شیخ آن را از کتاب رسائل الائمة علیهم السلام اثر کلینی اخذ کرده باشد که نجاشی^۱ از جمله کتب کلینی می‌شمارد.

ب. کتاب غیبت نعمانی

دیگر از مصادر شیخ، کتاب *غیبت*^۲ نعمانی است. نویسنده محمد بن ابراهیم بن جعفر الکاتب النعمانی البغدادی معروف به «ابن ابی زینب» است. نجاشی^۳ می‌فرماید: «شیخ من اصحابنا، عظیم القدر، شریف المنزلة، صحیح العقیده، کثیر الحدیث... له کتب منها: کتاب الغیبة،...»^۴.

از تاریخ تولد وی اطلاعی موجود نیست ولی در حدود سال ۳۶۰ ق در شام وفات یافت. کتاب *غیبت* او از وزین‌ترین تألیفات در موضوع خود است که تألیف آن، در سال ۳۴۲ ق به پایان رسید. شیخ طوسی در تدوین کتابش از کتاب نعمانی هشت روایت اخذ کرده که مشروحاً به بیان آن می‌پردازیم:

۱. نجاشی، پیشین، ص ۳۷۷، ش ۱۰۲۶.
۲. محمد نعمانی، *الغیبة*، بی‌جا، مدین، ۱۴۲۶ ق.
۳. نجاشی، *رجال*، ص ۳۸۳، ش ۱۰۴۳.
۴. نجاشی، *رجال*، ص ۳۸۳، ش ۱۰۴۳.

۱. در فصل «ما يدل على امامة صاحب الزمان عليه السلام...»

در این فصل شیخ طوسی، هفت روایت از نعمانی نقل می کند که در اولین روایت، طریقه را به کتاب نعمانی در شروع سند بیان می کند؛ ولی در بقیه روایات، سند را با اسم اشاره «بهذا الاسناد» شروع می کند که مشارالیه با تأمل معلوم است. شیخ، این روایات را از فصل «فیما روی ان الائمة اثنا عشر من طریق العامة و ما يدل عليه من القرآن و التوراة» از کتاب الغيبة نعمانی اخذ کرده است.

کتاب غیبت نعمانی		کتاب غیبت شیخ	
ملاحظات	صفحه	رقم	شماره حدیث
	۱۰۲	۳۱	اولین روایت مأخوذ از غیبت نعمانی
	۱۰۳	۳۲	دومین روایت مأخوذ از غیبت نعمانی
	۱۰۴	۳۳	سومین روایت مأخوذ از غیبت نعمانی
	۱۰۴	۳۴	چهارمین روایت مأخوذ از غیبت نعمانی
	۱۰۵	۳۵	پنجمین روایت مأخوذ از غیبت نعمانی
	۱۰۶	۳۶	ششمین روایت مأخوذ از غیبت نعمانی
	۱۰۶	۳۷	هفتمین روایت مأخوذ از غیبت نعمانی

۲. در «ذكر بعض من رأى الحجة عليه السلام».

شیخ طوسی، در این قسمت، روایتی را از نعمانی نقل می کند که ما بعد از فحص، آن را در کتاب غیبت نعمانی نیافتیم.

شیخ از نعمانی بدین طریق نقل روایت می کند: ما اخبرني به ابو عبد الله احمد بن عبدون المعروف بابن الحاشر قال حدثني ابو الحسين محمد بن علي الشجاعى الكاتب قال اخبرنا ابو عبد الله محمد بن ابراهيم المعروف بابن ابي زينب النعمانى الكاتب.^۱

ج. کتاب کمال الدین و تمام النعمة

دیگر از مصادر شیخ طوسی در گردآوری کتاب غیبت را می توان کتاب کمال الدین و تمام النعمة^۲ اثر شیخ صدوق شمرد. وی محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی از اعلام امامیه در قرن چهارم است که به دعای حضرت حجت عليه السلام متولد شد. وی از

۱. شیخ طوسی، پیشین، غیبت، ص ۹۷.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، قم، مؤسسة الاسلامی، ۱۴۰۵ق.

برجسته‌ترین فقها و محدثان بود و کتب فراوانی در فنون متعدد نگاشت. شیخ صدوق، در سال ۳۸۱ ق وفات یافت و در ری مدفون شد.

شیخ طوسی با یک واسطه از او روایت نقل می‌کند که واسطه، یکی از این اعلام است:

۱. شیخ محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)

۲. حسین بن عبیدالله غضائری

۳. جعفر بن حسن بن حسکه قمی

۴. محمد بن سلیمان حمرانی

شیخ طوسی در این کتاب، همیشه توسط «جماعة» از شیخ صدوق نقل روایت می‌کند که مرادش همین مشایخ چهارگانه فوق هستند. او در مجموع هجده حدیث از *کمال الدین* اخذ کرده است که به شرح آنها می‌پردازیم:

۱. در فصل «فاما الکلام فی ولادة صاحب الزمان علیه السلام...»

شیخ در این فصل، دو حدیث از *کمال الدین* از باب «ذکر من شاهد القائم علیه السلام و راه و کلمه» اخذ کرده است.

کتاب کمال الدین				کتاب غیبت	
ملاحظات	جلد	صفحه	رقم روایت	شماره حدیث	صفحه
	۲	۴۳۴	۱	اولین روایت مأخوذ از <i>کمال الدین</i>	۱۶۶
در روایت تلفیق شده	۲	۴۴۰	۱۰ و ۹	دومین روایت مأخوذ از <i>کمال الدین</i>	۱۶۷

۲. در فصل «و اما ظهور المعجزات الدالة علی صحة امامته فی زمان الغيبة...».

شیخ طوسی در این فصل، ذیل بیان توقیعات حضرت حجت علیه السلام هفت حدیث از

کمال الدین از باب «ذکر التوقیعات الواردة عن القائم علیه السلام» اخذ کرده است.

کتاب کمال الدین				کتاب غیبت	
ملاحظات	جلد	صفحه	رقم روایت	شماره حدیث	صفحه
	۲	۵۲۰	۴۹	اولین روایت مأخوذ از <i>کمال الدین</i>	۲۰۱
	۲	۵۰۵	۳۶	دومین روایت مأخوذ از <i>کمال الدین</i>	۲۱۵
	۲	۵۰۲	۳۱	سومین روایت مأخوذ از <i>کمال الدین</i>	۲۱۷
	۲	۵۰۳	۳۴	چهارمین روایت مأخوذ از <i>کمال الدین</i>	۲۱۸
	۲	۵۰۷	۳۷	پنجمین روایت مأخوذ از <i>کمال الدین</i>	۲۱۸
	۲	۵۰۹	۳۹	ششمین روایت مأخوذ از <i>کمال الدین</i>	۲۱۹
	۲	۵۰۷	۳۷	هفتمین روایت مأخوذ از <i>کمال الدین</i>	۲۲۰

۳. در فصل «فاما السفراء الممدوحون فی زمان الغيبة...»

در این فصل، آن جا که محمد بن عثمان بن سعید را معرفی می کند، سه حدیث از *کمال الدین* از باب «ذکر من شاهد القائم علیه السلام» و از باب «ذکر التوقعات الواردة عن القائم علیه السلام» اخذ کرده است. در ادامه، روایتی را از شیخ صدوق بدین سند نقل می کند: و «بهذا الاسناد عن محمد بن علی عن ابيه...» که مراد از محمد بن علی، شیخ صدوق است و مشارالیه «بهذا الاسناد» هم مشایخ وی هستند؛ ولی در *کمال الدین* یافت نشد.

کتاب کمال الدین				کتاب غیبت	
ملاحظات	جلد	صفحه	رقم روایت	شماره روایت	صفحه
	۲	۵۱۰	۴۱	اولین روایت مأخوذ از <i>کمال الدین</i>	۲۴۳
سند ارسال دارد	۲	۴۴۰	۸	دومین روایت مأخوذ از <i>کمال الدین</i>	۲۴۵
	۲	۴۴۰	۹	سومین روایت مأخوذ از <i>کمال الدین</i>	۲۴۵
در <i>کمال الدین</i> یافت نشد	-	-	-	چهارمین روایت مأخوذ از <i>کمال الدین</i>	۲۴۵

۴. در ذیل بیان این که محمد بن عثمان بن سعید، به امر امام زمان علیه السلام حسین بن روح را جانشین خود می کند، شیخ، دو حدیث از *کمال الدین* از باب «ذکر التوقعات الواردة عن القائم علیه السلام» اخذ کرده و دومین سند را با اسم اشاره «بهذا الاسناد» آغاز می کند.

کتاب کمال الدین				کتاب غیبت	
ملاحظات	جلد	صفحه	رقم روایت	شماره روایت	صفحه
	۲	۵۰۱	۲۸	اولین روایت مأخوذ از <i>کمال الدین</i>	۲۴۹
	۲	۵۰۳	۳۳	دومین روایت مأخوذ از <i>کمال الدین</i>	۲۴۹

۵. در ذیل «ذکر امر ابی الحسن علی بن محمد السمری» شیخ از *کمال الدین* از باب «ما روی فی میلاد القائم علیه السلام...» و از «باب ذکر التوقعات الواردة عن القائم علیه السلام» سه حدیث اخذ کرده است.

کتاب کمال الدین				کتاب غیبت	
ملاحظات	جلد	صفحه	رقم روایت	شماره روایت	صفحه
	۲	۴۳۲	۱۲	اولین روایت مأخوذ از <i>کمال الدین</i>	۲۶۴
	۲	۵۰۳	۳۳	دومین روایت مأخوذ از <i>کمال الدین</i>	۲۶۵
	۲	۵۱۶	۴۴	سومین روایت مأخوذ از <i>کمال الدین</i>	۲۶۵

د. اربعة رسالات فی الغيبة^۱

شیخ مفید (محمد بن محمد بن نعمان) که از چهره‌های درخشان شیعه در قرن چهارم و اوائل قرن پنجم هجری قمری بود و در کلام و فقه و حدیث با فضیلت‌ترین دانشمند زمان خود به شمار می‌رفت، در پاسخگویی به شبهات غیبت حضرت حجت علیه السلام این چهار رساله را نگاشته است. شیخ طوسی در ابتدای کتاب در فصل «فی الکلام فی الغيبة» که به نکات نغز معرفتی اشاره دارد و به سؤالات مطرح در آن موضوع، پاسخی وثیق و جامع پیش روی منتقدان نهاده است. این کیفیت سؤال و جواب شیخ، از سؤال و جواب استادش شیخ مفید در آن رساله‌ها تأثیر پذیرفته است. که با مقایسه دو کتاب، این تأثیرپذیری کاملاً نمایان می‌شود. به نظر نگارنده، شیخ طوسی در این مباحث، به شیوه بحث استادش عنایت داشته و از آن در تدوین مطالب کتابش الهام گرفته است.

هـ کتاب الذخيرة^۲

چهارمین مصدر شیخ در تدوین کتاب غیبت کتاب ذخیره سید مرتضی است. ابوالقاسم علی بن حسین موسوی معروف به سید مرتضی علم الهدی در سال ۴۳۶ ق وفات کرد، وی از شاگردان شیخ مفید بود و بر جنازه استادش نماز خواند و پس از او کرسی ریاست عالم تشیع به وی منتقل شد. سید مرتضی، کتاب ذخیره را در علم کلام گردآورد و شیخ طوسی در چهار موضع، از آن بهره جست. دو مورد را ذیل: «الدلیل علی وجوب الرئاسة» در صفحه ۱۳ و ۱۹ نقل کرد که اولین، با عبارت «و وجدت لبعض المتأخرین کلاماً اعترض به کلام المرتضی رحمه الله فی الغيبة...» و دومین نیز با عبارت «قلنا الذی نقوله فی هذا الباب ما ذکره المرتضی رحمه الله فی الذخيرة...» آغاز می‌شود.

۱. شیخ مفید، اربعة رسالات فی الغيبة، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۲. بنا به نقل آقا بزرگ تهرانی در الدرریتة ج ۱۰، ص ۱۲، یک نسخه از این کتاب در کتابخانه محدث نوری موجود بود و دیگری در کتابخانه رضوی علیه السلام.

دو مورد دیگر را نیز ذیل «علة غیبه علیه السلام عن اولیائه» در صفحه ۷۹ و ۸۳ نقل می‌کند؛ اولین بدین شروع: «و کان المرتضی رحمه الله یقول اخیراً...» و دومین بدین شروع: «و کان المرتضی رحمه الله یقول...».

و. کتاب مسائل علی بن جعفر

از مصادر کتاب غیبت شیخ طوسی می‌توان کتاب *مسائل علی بن جعفر*^۱ را شمرد. وی که فرزند امام صادق علیه السلام و برادر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بود، مسائلی را از برادر بزرگوارش پرسیده که در کتابی گرد آمده است. علی بن جعفر در اواسط قرن سوم هجری قمری از دنیا رفت و چهار امام (امام صادق، امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام) را درک کرد. او در دام مذهب وقف گرفتار نشد و در فراز و فرودهای اجتماعی بر عقیدت پاک باقی ماند. *مسائل علی بن جعفر* در موضوعات گوناگون نگاشته شده و شیخ در فصل «الکلام فی الواقفة» صفحه ۴۰ از آن، روایتی نقل می‌کند. قراین، نمایانگر اخذ از آن کتاب صفحه ۳۴۷ رقم ۸۵۶ می‌باشد و تعبیر هر دو بدین گونه است: «و روی ایوب بن نوح عن الحسن بن فضال^۲ قال سمعت علی بن جعفر یقول: کنت عند اخی موسی بن جعفر علیه السلام و کان و الله حجة فی الارض بعد ابی» شیخ در موارد دیگر نیز از علی بن جعفر روایت نقل می‌کند؛ ولی اخذ آن‌ها از کتاب *مسائل علی بن جعفر* محرز نشد و احتمالاً از کتب دیگران اخذ کرده باشد.

شیخ طوقش به کتاب علی بن جعفر را در فهرست^۳ بیان می‌کند که یکی چنین است: *اخبرنا بذلک جماعة عن محمد بن علی بن الحسين عن ابيه عن محمد بن یحیی عن العمرکی الخراسانی البوفکی عن علی بن جعفر*.

۱. علی بن جعفر، *مسائل علی بن جعفر*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.

۲. مراد از حسن بن فضال، حسن بن علی بن فضال است، هر چند تعبیر از وی به حسن بن فضال و نسبت به جد دادن، غیر معهود است؛ ولی شیخ به همین صورت که در *مسائل علی بن جعفر* آمده این جا درج کرده است.

۳. شیخ طوسی، *الفهرست*، ص ۸۷، ش ۳۶۷.

ز. کتاب اسرار آل محمد علیهم السلام

مؤلف این کتاب، سلیم بن قیس^۱ هلالی از خواص اصحاب امامان نخستین شیعه شمرده شده است. وی در شانزده سالگی به مدینه آمد و شاهد خانه نشین شدن امیرالمؤمنین علیه السلام بود. او از منبع زلال علم آن حضرت بهره جست و حوادث را از زبان سلمان و ابوذر و مقداد نگاشت. کتاب سلیم بن قیس، اولین کتابت از تاریخ اسلام است که در ردیف وزین ترین حادثه نگار اهل بیت علیهم السلام به شمار می رود.

شیخ طوسی، ذیل بحث از بطلان قول کیسانیه در صفحه ۱۳۱ دو روایت و ذیل بحث علت عدم ظهور حضرت حجت علیه السلام در صفحه ۲۲۶ یک روایت از وی نقل می کند که به نظر می رسد به طور مستقیم از کتابش اخذ کرده باشد؛ هر چند قراین بر این مطلب، کافی نیست؛ ولی دور از احتمال هم نخواهد بود.

طریق شیخ طوسی به کتاب سلیم بن قیس در فهرست^۲ بدین گونه است: اخبارنا به ابن ابی جید عن محمد بن الحسن بن الولید عن محمد بن القاسم الملقب ماجیلویه عن محمد بن علی الصیر فی عن حماد بن عیسی و عثمان بن عیسی عن ابان بن ابی عیاش عنه^۳.

مصادر غیر موجود

أ. الضیاء فی الرد علی المحمدیة و الجعفریة

کتاب الضیاء مجموعه احادیثی است که سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری قمی در ردّ بر قائلان به امامت محمد بن علی بن محمد بن علی الرضا علیهم السلام و قائلان به امامت جعفر بن علی بن محمد بن علی رضا علیهم السلام گرد آورد. سعد بن عبدالله - آن سان که نجاشی^۳ ترجمه می کند - از فقیهان امامیه اثنا عشریه بود. بنا به قولی امام یازدهم علیه السلام را نیز ملاقات کرد و از ایشان احادیث شنید. وی برای گردآوری احادیث اهل بیت علیهم السلام رنج سفر را بر خود هموار ساخت. ثمره این سفرها، کتب بسیاری شد که از خود باقی گذاشت و در

۱. کتاب سلیم بن قیس، قم، الهادی، ۱۴۱۵ق.

۲. همان، ص ۸۱، ش ۳۳۶.

۳. نجاشی، رجال، ص ۱۷۷، ش ۴۶۷.

شمار آن‌ها کتاب ضیاء در ردّ محمدیه و جعفریه است که شیخ در کتاب غیبت از آن اخذ کرده و به همین لحاظ اسنادش را با نام سعد بن عبدالله آغاز می‌کند.

البته شیخ از سعد بن عبدالله در این کتاب بسیار نقل حدیث کرده است؛ ولی تشخیص این که مستقیماً از کتب وی اخذ شده یا از کتب دیگران مشکل است و به درستی نمی‌توان به اخذ مستقیم حکم کرد؛ لذا این جا مواردی بیان می‌شود که ما اطمینان به اخذ از کتاب ضیاء سعد داریم. شیخ، نخست ذیل «و اما من خالف من الفرق الباقية الذين قالوا بامامة غيره: كالمحمدية...» در صفحه ۶۸ اولین حدیث را از کتاب ضیاء نقل می‌کند. آغاز سند حدیث چنین است: «فروی سعد بن عبدالله قال حدثني ابوهاشم داود بن القاسم الجعفری...» و دومین را ذیل «و اما المحمدية الذين قالوا:...» در صفحه ۱۳۳ چنین نقل می‌کند: «و یزید ذلك بیاناً ما رواه سعد بن عبدالله عن جعفر بن محمد بن مالک...».

در این قسمت مجموعاً سه حدیث از سعد نقل می‌کند که در صفحات ۱۳۳ و ۱۳۴ آمده است. وی ذیل «و اما موت محمد فی حیاة ابيه عليه السلام...» در صفحه ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ مجموعاً سه حدیث از سعد نقل می‌کند و چهارمین حدیث مشکوک است که آیا از کتاب ضیاء اخذ شده است یا نه.

همچنین ذیل «و اما معجزاته [حسن عسکری عليه السلام] الدالة علی امامته...» در صفحات ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ مجموعاً پنج حدیث از کتاب سعد نقل می‌کند و ذیل «فاما القائلون بان الحسن بن علی عليه السلام لم یمت...» در صفحه ۱۴۷ یک حدیث و ذیل «و اما من قال: ان الحسن بن علی عليه السلام انه یعیش بعد موته...» در صفحه ۱۴۸ یک حدیث از وی نقل می‌کند.

همچنین ذیل «و اما القائلون بامامة جعفر بن علی بعد اخيه عليه السلام...» در صفحه ۱۵۰ یک حدیث از کتاب ضیاء نقل می‌کند.

شیخ طوسی ذیل «و قد بینا فساد قول الذاهبین الی امامة جعفر بن علی...» در صفحه ۱۵۱ و ۱۵۲ سه حدیث نقل می‌کند.

پس مجموعاً شیخ از کتاب ضیاء سعد بن عبدالله نوزده حدیث نقل می‌کند که به نظر می‌رسد مستقیماً از آن اخذ کرده باشد.

شیخ به دلیل این که راوی مستقیم سعد نیست و نمی‌تواند از وی بی واسطه حدیث نقل کند، باید طریق خود را در صدر اسناد سعد می‌آورد؛ ولی در فهرست^۱ در ترجمه سعد می‌فرماید: «اخبیرنا بجمیع کتبه و روایاته عدة من اصحابنا عن محمد بن علی بن الحسین بن بابویه عن ابیه و محمد بن الحسن عن سعد بن عبدالله». با نهادن این طریق به صدر اسناد سعد، طریق شیخ تکمیل شده و روایاتش مسند خواهد شد.

ب. کتاب الرجعة و کتاب القائم

مؤلف این دو کتاب، فضل بن شاذان نیشابوری است. وی از مشایخ حدیث و ثقات محدثان امامیه در اواسط قرن سوم هجری قمری و از فقهای متکلمین و اجلای اصحاب حضرت جواد و هادی و عسکری علیهم‌السلام بوده است. بلکه به نوشته بعضی، از حضرت رضا علیه‌السلام نیز روایت کرده است. کتب وی، به حدود ۱۸۰ جلد می‌رسد که نجاشی^۲ به تعدادی تصریح کرده است. او در سال ۲۶۰ ق بدرود حیات گفت. به نظر نگارنده، شیخ طوسی در فصول پایانی کتابش، آنچه از فضل نقل کرده، مستقیماً از همان دو کتاب اخذ کرده است. او در «فصل فیما ذکر فی بیان مقدار عمره علیه‌السلام» و در «ذکر طرف من العلامات الکائنة قبل خروجه علیه‌السلام» روایات کثیری را که به هفتاد می‌رسد، از وی نقل می‌کند و اولین روایت را بدین گونه آغاز می‌کند: «و روی الفضل بن شاذان عن ابن ابی نجران عن...».

شیخ در بقیه موارد یا در اول سند، فضل بن شاذان را آورده یا ضمیری که به او برمی‌گردد.

البته شیخ در فصول متعدد از فضل روایت نقل می‌کند؛ ولی احتمال اخذ مستقیم

۱. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۷۵، ش ۳۰۶.

۲. نجاشی، رجال، ص ۳۰۶، ش ۸۴.

از کتاب وی ضعیف است و قراین کافی وجود ندارد. فضل، از مشایخ بی واسطه شیخ طوسی نیست؛ لذا شیخ در نقل حدیث از فضل به طریق اعتماد می کند. ما ذیلاً به نقل یک طریق که در فهرست^۱ آمده است، اکتفا می کنیم: «اخبونا بروایاته و کتبه هذه ابو عبدالله المفید رحمه الله عن محمد بن علی بن الحسین بن بابویه عن محمد بن الحسن عن احمد بن ادريس عن علی بن محمد بن قتیبة عنه».

ج. کتاب اخبار الوكلاء الاربعة

کتاب اخبار الوكلاء تألیف احمد بن علی بن عباس بن نوح ابوالعباس سیرافی از دیگر مصادر شیخ در کتاب غیبت است. سیرافی - همان گونه که در ترجمه اش^۲ آمده است - از مشایخ نجاشی بود و کتب بسیاری نگاشت که در شمار آن ها همین کتاب است. سیرافی چارچوب اصلی کتابش را از هبة الله بن احمد بن محمد کاتب برگرفت. نجاشی در ترجمه هبة الله^۳ بدین مطلب تصریح می فرماید: «... و کتاب فی اخبار ابی عمرو و ابی جعفر العمریین و رایت ابا العباس بن نوح قد عول علیه فی الحکایة فی کتابه اخبار الوكلاء».

شیخ در فصول متعدد حدیث و احوالات نواب اربعة را از سیرافی نقل می کند. متأسفانه کتاب سیرافی نیز به دست ما نرسید. فقط آنچه از وی رسیده همان است که در لا به لای کتب حدیثی و مخصوصاً در کتاب غیبت شیخ طوسی آمده است. هر چند شیخ نیز در ترجمه^۴ وی از عدم دستیابی به کتاب او خبر داده و می فرماید: «... و له کتاب اخبار الابواب غیر ان هذه الکتب کانت فی المسودة و لم یوجد منها شیء... و مات عن قرب الا انه کان بالبصرة و لم یتفق لقائی اياه».

البته به نظر می رسد که حین نگارش کتاب غیبت نسخه ای از آن، به شیخ رسیده

۱. شیخ طوسی، فهرست، ص ۱۲۴، ش ۵۵۲.

۲. نجاشی، رجال، ص ۸۶ ش ۲۰۹.

۳. همان، ص ۴۴، ش ۱۱۸۵.

۴. شیخ طوسی، فهرست، ص ۳۷، ش ۱۰۷.

بود و شیخ هم در مواضع بسیاری از آن نقل می کند؛ از جمله:

۱. در فصل «و اما ظهور المعجزات الدالة على صحة امامته في زمان الغيبة». شیخ در این فصل، پنج خبر از وکلای اربعه را در وقایع اتفاقیه نقل کرده که اولین آن در صفحه ۱۹۹ بدین شروع می شود: «و اخبرنا الحسين بن ابراهيم عن ابي العباس احمد بن علي بن نوح عن ابي نصر هبة الله بن محمد الكاتب قال: ...» دومین آن نیز در صفحه ۱۹۹ با اسم اشاره «بهذا الاسناد» شروع می شود و سومین آن در صفحه ۲۰۸ و چهارمین آن در صفحه ۲۰۹ و پنجمین در صفحه ۲۲۰ آمده است.

۲. در «فاما السفراء الممدوحون في زمان الغيبة (السفراء الاربعه)».

شیخ در این فصل در هفده مورد، از کتاب سیرافی روایت اخذ کرده و در موضوعات مختلفی هم چون احوال سفرا و توقیعات بیان کرده است.

۳. در «ذكر المذمومين الذين ادعوا البايّة».

شیخ در این قسمت در شش مورد از کتاب سیرافی اخذ کرده است. طریق شیخ به کتاب الوکلاء به واسطه «جماعة من اصحابنا» است که این جا به واسطه «حسین ابن ابراهیم قمی» از آن نقل می کند.

د. کتاب الاوصیاء و کتاب الغيبة

شیخ از این دو کتاب شلمغانی نیز هر چند مختصر در «فصل في ذكر العلة المانعة لصاحب الامر عليه السلام من الظهور» در صفحه ۲۳۱ و در بحث «نیابة ابي القاسم الحسين بن نوح» در صفحه ۲۶۴ اخذ کرده است. شلمغانی محمد بن علی بن ابی العزاقر از فقهای امامیه بود و کتبی را نگاشت که این دو هم از آن جمله است. وی ابتدا در طریق مستقیم بود، ولی بعد منحرف شد و اقوال عجیبی از او صادر شد که دستگیر، و در سال ۳۲۳ق به قتل رسید.

هـ کتاب فی نصرۃ الواقفة

شیخ در ذیل «الکلام فی الواقفة» روایاتی را نقل می‌کند که برای اثبات حقانیت واقفه آورده شده است و بعد از هر روایت، جواب آن را بیان کرده است که یا اشکال در دلالت روایت دارد یا در صدور. وی مجموعه آنها را از کتابی اخذ کرده که علی بن احمد علوی در نصرت واقفه نوشته است؛ چنان که در صفحه ۴۱ می‌فرماید: فمن ذلک اخبار ذکرها ابو محمد علی بن احمد العلوی الموسوی فی کتابه فی نصرۃ الواقفة.

نتیجه

بعد از کنکاش و بررسی با قراین معلوم شد که شیخ در تدوین کتابش، از این کتب اخذ کرده است؛ ولی احادیث فراوانی را نقل می‌کند که ما به راستی مصدر اخذ آنها را نمی‌دانیم و خود شیخ هم بدان اذعان نکرده است. شیخ در بسیاری از موارد، سند را با شیخش شروع می‌کند؛ ولی ما نمی‌دانیم که آیا از او شنیده و از کتابش اخذ کرده یا از کتاب دیگر راویان حدیث اخذ کرده و در اول، طریق خود را به آن کتاب آورده است.